

پیشگفتار نویسندگان

ما این کتاب را با این هدف به رشته تحریر درآورده‌ایم که شناخت، واری و اندیشه‌ورزی درباره برنامه‌های درسی را که طراحی شده است و در سطح مدارس و کلاسهای درس به اجرا گذاشته می‌شود تشویق نماییم. امید است که بدین وسیله به گفتگو درباره نظریه و عمل و همچنین مباحث سیاسی، اجتماعی و اخلاقی مربوطه پردازیم. به تصور ما، این اثر خوانندگان را به صور گوناگون و در مجاری مختلف درگیر خواهد ساخت - از نوع نام‌گذاری دیدگاهها، تا تشخیص اینکه ایده فراگیر فرهنگ در هر یک از دیدگاههای برنامه درسی چگونه در کلاس درس و مدرسه انعکاس می‌یابد، تا پژوهش درباره ماهیت برنامه درسی که بر کلاسهای درس در امریکا حکم فرماست و سرانجام، کاویدن چشم‌اندازهای ممکن برنامه درسی. گرچه ما این کتاب را به عنوان منبعی در خدمت دانشجویان تحصیلات تکمیلی (که نوعاً مربیان و مدیران باسابقه‌اند) و همچنین کسانی که بدو مسئولیت تدریس درسهای نظریه برنامه درسی، مطالعات برنامه درسی و تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت را برعهده می‌گیرند تدارک دیده‌ایم، بر این باوریم که فرهنگهای برنامه درسی می‌تواند از طریق طرح اندیشه‌ها و مباحث مربوطه در مدارس و جوامع محلی وارد گفتمان عمومی نیز بشود.

هدف ما در اینجا توسعه آگاهی انتقادی درباره رویکرد افراد به برنامه درسی و اقدامات عملی تعلیم و تربیت است. با استفاده از «فرهنگهای برنامه درسی» به عنوان پایگاهی برای پژوهش، به خوانندگان توصیه می‌کنیم به تأمل پردازند و به کاوشهایی از این دست سامان دهند:

- آیا کارها و اقدامات آنان در خصوص برنامه درسی معرف ملغمه‌ای از روشها و اهداف سنجیده است یا خیر.
 - مبارزه برای دستیابی به چشم‌اندازی منسجم در بحبوحه‌ای از فشارها و مطالبات ناسازگار.
 - چگونه یک غایت فراگیر به عملیات جاری تبدیل می‌شود و در قالب مجموعه‌ای از اقدامات عملی تجسم می‌یابد.
 - ما موفق به تدوین یک چارچوب پژوهشی شده‌ایم که قادر است به اهداف ویژه ذیل جامه عمل بپوشاند:
 - تشریح و تبیین مفهوم برنامه درسی به عنوان فرهنگ - یک نظام فاش‌کننده باورها، ارزشها، رفتارها و رسوم صریح و ضمنی در کلاس درس و مدرسه که موضوع تأمل و اتخاذ تصمیم در جوامع محلی و دیگر قلمروهای اجتماعی بوده است.
 - آشنا ساختن خوانندگان با منظومه‌های تفکر درباره برنامه درسی که تکوین مفهوم فرهنگهای برنامه درسی تحت تأثیر آنها قرار داشته است.
 - ارائه بصیرتهای تاریخی درباره چرخش در اولویتهای اجتماعی، و تعلیم و تربیتی که برنامه درسی در نظام آموزشی امریکا را تحت تأثیر قرار داده است.
 - مشروعیت و رسمیت بخشیدن به گفتمان سیاسی و اخلاقی در مباحثه درباره برنامه درسی.
 - تشویق تفکر استعاره‌ای که امکان دستیابی به شیوه‌های جدیدی از ادراک مفروضات شایع و نظامهای باور تثبیت شده را فراهم می‌سازد.
 - عمق بخشیدن آگاهی نسبت به معماهای معطوف به عمل که در ذات اقدام و عمل در ارتباط با برنامه درسی وجود دارد.
 - آماده ساختن هر یک از فرهنگهای برنامه درسی برای قرار گرفتن در معرض پژوهش انتقادی از نظر مفروضات، اهداف و مدعاها.
- پس از چنین دقت نظرهایی، امیدواریم خوانندگان اثر حاضر به مسائلی که برای آنان پیش می‌آید توجه جدی کنند و با تشریک مساعی همکاران، دانش‌آموزان و تشکلهای مربوط چگونگی تولید برنامه درسی دارای هدفهای روشن

و اقدامات عملی هماهنگ را در کانون توجه قرار دهند. برای آن دسته از خوانندگانی که مباحث این کتاب را مؤید اندیشه‌ها و عمل خود می‌یابند، انتظار داریم با خواندن بخش دشواریهای اجرایی و نقد فرهنگهای برنامه درسی به بازاندیشی درباره چشم‌اندازهای فعلی تشویق شوند. علاوه بر این، چنین خوانندگانی می‌توانند به ایفای نقش هدایت و راهبری در برابر دیگرانی بیندیشند که جریانها و اقدامات عملی متنوع برنامه درسی آنان را دچار سردرگمی می‌کند و احساس چنان ازهم گسیختگی فکری به ایشان دست می‌دهد که می‌فهمند تصمیمات و اقداماتشان تنها از سر رفع تکلیف است.

ما گمان داریم که دانش عرضه‌شده از طریق این کتاب و مباحثی که بر این اساس درمی‌گیرد، به تربیت معلمانی کمک می‌کند که «درباره غایات کلان انسانی و اجتماعی مستتر در آنچه انجام می‌دهند، می‌اندیشند و آنها را درک می‌کنند» و «می‌کوشند تصمیم‌گیری درباره آنچه تدریس می‌کنند و چگونگی تدریس را با تعهد نسبت به تحقق این اهداف هماهنگ سازند». - به عبارت دیگر از «هشیاری و دغدغه وجدانی نسبت به ارزشهای اساسی که درصدد جاری ساختن آن در کلاس درس هستند برخوردارند» (Purpel and Shapiro, 1995, pp. 109-110). همچنین معتقدیم که مطالعه این کتاب، ممکن است به تربیت مدیران یا افرادی کمک کند که راه‌حلهای ساده‌اندیشانه را برنتابیده‌اند و افکار خود درباره برنامه درسی را در چارچوبی هوشمندانه و کل‌نگرانه سامان می‌دهند.

همچنین ایده‌های ما ممکن است الهام‌بخش بررسی و بازبینی باورهای دیگران (شامل همکاران، مدیران، اعضای هیئت امنای مدارس، مسئولان آموزش و پرورش، والدین و کودکان) درباره اهداف تعلیم و تربیت و چگونگی دستیابی به آنها باشد. از طریق مباحثه با دانشجویان، همکاران و اعضای جامعه محلی، خوانندگان این اثر ممکن است متوجه برخی مشابهتهای شوق‌انگیز درخصوص باورها، رویه‌های عملی و اهداف تعلیم و تربیت بشوند. آنان همچنین ممکن است به کشف تقابلهای آزاردهنده نیز نائل شوند و دریابند افراد اهداف بسیار متفاوتی را تعقیب می‌کنند و بیاموزند که الزاماً تمام اندیشه‌هایی که دیگران به آن وفادارند، برای او قابل قبول

نیست. این کتاب ممکن است به خوانندگان کمک کند تا به «مرزبندی» پردازند، یعنی تصمیم بگیرند که کدام بخش از اندیشه‌های مربوط به برنامه درسی قابل مذاکره است و کدام مواضع قابل مصالحه نیست.

این کتاب از سه بخش تشکیل شده است. در بخش نخست، فصلهای اول و دوم پس‌زمینه‌های نظری را فراهم می‌سازند و در آنها ما به تشریح اندیشه‌های پیش‌تر مطرح‌شده درباره برنامه درسی و همچنین مفهوم فرهنگ که نقش مهمی در فهم ما نسبت به برنامه درسی داشته است می‌پردازیم. بخش دوم (که شامل فصول سوم تا هشتم می‌شود)، فصولی است که ما آنها را شش فصل محتوایی می‌نامیم که به بررسی هر یک از فرهنگهای برنامه درسی بر مبنای یک چارچوب پژوهشی می‌پردازد. هر یک از فصول شش‌گانه شامل این اجزاء است: یک نقل قول که بخش اعظم جوهر دیدگاه برنامه درسی را معرفی می‌کند، تصویری از یک کلاس درس که در آن این نظریه به مورد اجرا گذاشته شده است، جمع‌بندی از چشم‌اندازی که مدافعان این نوع برنامه درسی به آن پایبند بوده‌اند، سوابق تاریخی این دیدگاه در نظام آموزش و پرورش آمریکا، مفروضات این برنامه درسی درباره دانش‌آموزان، معلمان، محتوا، بستر و زمینه (محیط کلاس درس)، برنامه‌ریزی و ارزشیابی، مباحث ناظر به دشواریهای اجرایی، و سرانجام نقد فرهنگ برنامه درسی (در صورت امکان از نظریه و عمل). بخش سوم (فصل نهم)، دربردارنده بازاندیشی درباره دشواریهای غیرقابل اجتنابی است که همزاد مفهوم فرهنگهای برنامه درسی است و اینکه چگونه چنین مفهومی می‌تواند به عنوان یک سکوی پرش برای پژوهش، مباحثه و اصلاح مدرسه مورد استفاده قرار گیرد.

شش فصل محتوایی با دو دیدگاه برنامه درسی آغاز می‌شوند که گرچه هدف بنیادی القای ارزشهای فرهنگی را تعقیب می‌کنند، اما در چشم‌انداز غایی خود، افراد مدرسه‌دیده (تحصیل‌کرده) دارای تفاوت‌های عمیق را به رسمیت می‌شناسند. نخست، دیدگاهی از برنامه درسی است که بیشترین نفوذ در آموزش و پرورش معاصر آمریکا به آن تعلق دارد که همان «آموزش برای کار و بقا» است. فصل بعدی، «قرار گرفتن در مدار دانش تثبیت‌شده»، به توصیف سنت هنرها (قابلیتها)ی

آزاد (ناوابسته)^۱ می‌پردازد که تعلیم و تربیت جدی و عقل‌مدار منبعث از منابع کلاسیک امریکایی - اروپایی را مورد حمایت قرار می‌دهد. دو فصل بعدی دیدگاههایی را توصیف می‌کند که کانون توجه آنها یادگیری فرد است: یعنی «پرورش خویشتن و روح» و «ساختن فهم» که تعلیم و تربیت کودک محور و ساخت‌وسازگرایی^۲ را مورد تأیید قرار می‌دهند. دو فصل پایانی بخش محتوایی به معرفی دیدگاههای برنامه درسی اختصاص یافته است که دارای چشم‌اندازهای مستحکم اجتماعی هستند. «مردم‌سالاری در اندیشه و عمل» به تبیین تعلیم و تربیت مردم‌سالار و هدف آماده ساختن دانش‌آموزان برای درک و فهم فرصتهای زیست در یک جامعه مردم‌سالار می‌پردازد. «رویاری با نظم حاکم» نظریه‌های آزاد سازنده^۳ و عمل آموزشی مبتنی بر چند فرهنگی، فمینیسم و رویکرد انتقادی را به تصور می‌کشد.

در پایان، مایلم برای خوانندگان این اثر، فرایند شکل‌گیری و تولید آن را توضیح دهیم. آغاز کار با دیوید پرپل^۴، دوست و یک صاحب‌نظر برجسته انتقادی در حوزه برنامه درسی (در دانشگاه نورث کارولینا در شهر گرینز بورو) بود که به پاملا ژوزف^۵ ایده مربوط به نگارش درباره دیدگاههای برنامه درسی را پیشنهاد کرد. مباحثات او با دیوید پرپل و قرار گرفتن در معرض اندیشه‌های خلاق او در مفهوم‌پردازی بسیاری از فرهنگهای برنامه درسی نقش داشت. کمک جالب توجه دیگر پرپل به این پروژه، تأکید مکرر او بر ملاقات پاملا ژوزف با استیو (استفانی) براومان به دلیل وجوه تشابه فکری فراوانی بود که احساس می‌کرد میان این دو وجود دارد. پس از گفتگوهای بسیار همراه با مزاح در حین صرف ناهار، نگارش این کتاب به عنوان پروژه مشترک پاملا و استیو بسیار معنادار به نظر می‌رسید. از طریق این مذاکرات بود که پاملا و استیو به علاقه مشترکشان به فرهنگ به عنوان روش مرجح در «تبیین جهان» پی بردند و عنوان پروژه را از دیدگاههای برنامه درسی به فرهنگهای برنامه درسی تغییر دادند.

-
1. liberal arts
 2. constructivism
 3. liberatory
 4. David Purpel
 5. Pamela Joseph

پاملا متعاقباً با همکار و دوست خود ادوارد مایکل که دارای تبحر و تعلق خاطر فراوان به تعلیم و تربیت مردم سالار است گفتگو کرد. او نیز از ایده نگارش و شرکت مستمر در گفتگوهای مربوطه استقبال شایانی کرد. هنگامی که نانسی گرین، دوست دوران تحصیل دانشگاهی و شخصیتی که از نظر تدریس برای او الگو بود، از دانشگاه نورث ایسترن ایلینوی بازنشسته شد و برای پیوستن به خانواده خود به شهر سیاتل نقل مکان کرد، این پروژه به دلیل سابقه کار نانسی در زمینه تاریخ تعلیم و تربیت زنان و پژوهشهایی که در زمینه تربیت شغلی انجام داده بود، به شکل وصف ناشدنی تقویت شد. بالاخره در هنگام حضور در یک کنفرانس درباره ساخت و سازگرایی که دوست پاملا، مارک ویندشیل، در آن مقاله‌ای درخصوص دشواریهای عملی تدریس ساخت و سازگرایانه را ارائه کرد، پاملا از او درخواست کرد در نگارش یک فصل از کتاب مشارکت کند. نهایتاً مایکل نه تنها این درخواست را پذیرفت، بلکه به یکی از ارکان پروژه تبدیل شد. او فصل مربوط به ساخت و سازگرایی، بخش قابل توجهی از فصل مربوط به تعلیم و تربیت انتقادی و بخش مهمی از فصل پایانی کتاب را به رشته تحریر درآورد.

در نگارش این کتاب به عنوان یک پروژه جمعی، ما جدا از گفتگوهای خود درباره مقدمات و نتیجه گیریها لذت بردیم. این گفتگوها از آنجا که مستلزم به چالش کشیدن ایده‌هایمان درباره آنچه یک فرهنگ برنامه درسی را تشکیل می‌دهد بوده (آنچه باید بماند و آنچه باید حذف شود)، شوق‌برانگیزترین بخش این پروژه بوده است. همه ما با تلاش برای دفاع از مواضع خود، تغییر آنها و قرار گرفتن در معرض پژوهشهای یکدیگر به کمال نزدیک‌تر شده‌ایم.

منبع

Purpel, D.E. & Shapiro, S. (1995). *Beyond Liberation and Excellence: Reconstructing the Public Discourse on Education*. Westport, CT: Bergin and Garvey.

پیشگفتار سرویراستار

تقریباً یک سال پس از انتشار کتاب، یعنی سال ۲۰۰۱ که توفیق شرکت در کنفرانس سالانه AERA، یا همان نشست حقیقتاً بی‌نظیر «انجمن تحقیقات تربیتی امریکا» در حوزه تعلیم و تربیت را پیدا کرده بودم، با این اثر آشنا شدم. یکی از بخشهای ابتکاری در این کنفرانس به معرفی آثار جدید و بحث در ارتباط آنها^۱ اختصاص داشت. این نشستها تا جایی که من تجربه حضور در آنها را دارم، نشستهای پرجاذبه‌ای است و با استقبال شرکت‌کنندگان، شرکت‌کنندگانی که شاید در همان بلوک زمانی امکان شرکت در بیش از پنجاه نشست دیگر را دارند!، مواجه می‌شود. باید اعتراف کنم که علاقه‌مندی به موضوع «فرهنگ و نسبت آن با برنامه درسی» مرا به این نشست خاص فراخواند (چرا که عنوان کتاب فرهنگهای برنامه درسی است) و گرنه از ماهیت بحث و اینکه با یکی دیگر از حوزه‌های آشنا و مورد علاقه‌ام در حوزه مطالعات برنامه درسی ارتباط دارد، یعنی معرفی و طبقه‌بندی نظریه‌های هنجاری^۲ برنامه درسی، اطلاعی نداشتم. به هر روی در نشست با چهره نام‌آشنای قلمرو برنامه درسی، بیل پاینار، مواجه شدم که مدیریت جلسه و بحث درباره کتاب برعهده او گذاشته شده بود. این مواجهه اتفاقاً اولین مواجهه من با این شخصیت نامدار و اثرگذار نیز به حساب می‌آید که در سالهای بعد ادامه یافت.

هنگامی که با ماهیت بحثهای کتاب از طریق معرفی فصول مختلف به وسیله نویسندگان آن آشنا شدم، از یک سو، به دلیل مواجه شدن با یک مبحث کاملاً آشنا،

-
1. book review
 2. normative theories

مسبوق به سابقه و مورد علاقه احساس مثبتی داشتم و از سوی دیگر از اینکه دریافته بودم یک مبحث آشنا صرفاً در یک قالب جدید و ناآشنا مطرح شده بود و نویسندگان فقط اصطلاحاً به «آشنایی زدایی» پرداخته بودند، حس خوبی نداشتم. بلافاصله پس از اتمام جلسه به سراغ پاینار رفتم و با لحنی تا حدودی اعتراض آمیز از او توضیح خواستم که چرا باید کتابی که به نظر می‌رسد حاوی بصیرت تازه‌ای برای رشته برنامه درسی نیست، این‌گونه مورد توجه قرار گیرد. خاطریم هست که پاینار پاسخ قانع‌کننده‌ای نداشت و حتی به‌طور ضمنی این برداشت را تأیید کرد.^۱ تفسیر خوش‌بینانه از واکنش پاینار، البته، این است که او نمی‌خواست در آن زمان و مکان و در حضور صاحبان اثر که هنوز جلسه را ترک نکرده بودند، به اظهار نظر دقیق درباره کتاب پردازد و به اعتراض ملایم من پاسخ مبسوط و مشروحی بدهد. اما به خاطر می‌آورم که او حتی در مقام مدیر جلسه هم چندان با آب و تاب از اثر تمجید نکرده و آنچه بیشتر توجه او را جلب کرده بود استفاده از مفهوم فرهنگ و کاربرد نوآورانه و مبتکرانه آن توسط نویسندگان در این زمینه بود. مجموع این دو نکته برای من حکایت از آن می‌کرد که محتوای اثر چندان باب طبع پاینار نبوده است و چه بسا او با انتخاب و اختیار خود مسئولیت این نشست را برعهده نگرفته بود!!

علاقه من به موضوع، اما، سبب شد که با مراجعت به کشور، مطالعه کتاب را در دستور کار خود و دانشجویانم قرار دهم. در دوره دکتری در درسی که با محوریت کتاب *تصورات تربیتی*^۲ آیزنر^۳ سالیان متمادی است به تدریس آن مشغول بوده و هستم، به دلیل علاقه ویژه‌ای که آیزنر به موضوع شناسایی و معرفی نظریه‌های برنامه درسی در قالب طبقه‌بندیها از خود نشان داده است، با معرفی آخرین طبقه‌بندی که آن را «ایدئولوژیهای برنامه درسی»^۴ نامیده است (و من از انتخاب این عنوان که خصوصاً در جامعه ما بار منفی و کژتابیهای فراوانی را به همراه دارد خوشنود نیستم)، به سایر طبقه‌بندیها نیز پرداخته، و دانشجویان را نیز دعوت می‌کنم که چنانچه به این

۱. پاسخ او این بود که اظهار نظر شما دقیق (perceptive) است.

2. *Educational Imagination*

3. Eisner

4. curriculum ideologies

مبحث علاقه‌مندند، مطالعه کلاسی خود را در این زمینه سامان دهند. تعدادی نیز تاکنون چنین کرده‌اند. رفته‌رفته به این جمع‌بندی رسیدم که قرائت نویسندگان کتاب فرهنگهای برنامه درسی از نظریه‌های هنجاری در این حوزه، قرائت دقیق و قابل توجهی است و می‌تواند از دو جهت به غنای بحثها و سوابق موجود در این زمینه بیفزاید. یکی نگاه از دریچه فرهنگ به مفهوم مردم‌شناختی آن^۱ به موضوع و ارتباط برقرار کردن میان این مفهوم جذاب، سهل و ممتنع و البته فرار با مقوله نظریه‌ها یا دیدگاههای برنامه درسی، که در ابتدا هم به آن اشاره کردم و در اشارات پایدار در نشست سالانه انجمن تحقیقات تربیتی امریکا نیز برجسته می‌نمود. این مفهوم و نسبت آن با موضوع علاوه بر اینکه در فصول مقدماتی کتاب تبیین و تشریح شده، در فصول اصلی که اختصاص به معرفی دیدگاهها دارد نیز جاری و ساری است.^۲ به اعتقاد نگارنده این سطور، نویسندگان اثر این زاویه دید را عمدتاً در انتخاب عناوینی منعکس ساخته‌اند که از اجزای ساختاری تمام فصول اصلی به حساب می‌آید. این عناوین همان «باورها و اقدامات عملی» است که برای تبیین ابعاد و عناصر مختلف هر دیدگاه هوشمندانه مورد استفاده قرار گرفته است. هوشمندانه از این حیث که «باورها» می‌توانند ناظر به وجه نظری فرهنگ و «اقدامات عملی» ناظر به وجه کاربردی آن باشند. وجه دیگر برجستگی اثر، ارائه تبیینها و پردازشهای جالب و جدید از برخی نظریه‌ها و دیدگاههای پیش‌تر معرفی‌شده برنامه درسی است که

۱. به فرهنگ از منظرهای دیگری مانند پزشکی نیز می‌توان نگرست. اما معنی و مفهوم غالب، همان مفهوم مردم‌شناختی است.

۲. کلیدی بودن مفهوم فرهنگ در این اثر را همچنین از شرح ماقع نگارش آن به وسیله نویسنده اول، یعنی پاملا بولوتین ژوزف، در بخشی از «درباره نویسندگان» و «پیشگفتار نویسندگان» می‌توان دریافت.

به کلیه خوانندگان موکداً پیشنهاد می‌شود پس از مطالعه پیشگفتار سرویراستار، به مطالعه کل پیشگفتار نویسندگان و «درباره نویسندگان» پردازند تا با فضای فکری نویسندگان فصول مختلف، سوابق علمی و حرفه‌ای آنان و فرایند تکوین اثر بیشتر آشنا شوند و مباحث اصلی کتاب برایشان معنای بیشتری پیدا کند.

خوانندگان در مطالعه شش فصل اصلی در خواهند یافت. بدین گونه در برداشتهای نخستین خودم درباره اثر، تجدیدنظر کردم و به این نتیجه رسیدم که ترجمه آن می تواند مکمل خوبی برای کتاب نظریه های برنامه درسی باشد، یعنی کتابی که قبلاً اینجانب ترجمه کرده ام و «سمت» آن را چاپ کرده است. این فکر را با مسئولان مربوطه در سمت مطرح کردم و آنان پس از استماع توضیحات بنده با پیشنهاد ترجمه آن با عنوان نظریه های پیشرفته برنامه درسی موافقت کردند. این عنوان البته نمی تواند به معنای متعارف آن در مجامع علمی قابل توجیه باشد. یعنی کتاب حاضر را نمی توان به اعتبار مباحث مندرج در آن «پیشرفته تر» از مباحث کتاب قبلی، اثر میلر، به حساب آورد، بلکه به این اعتبار درست است که انجام «مطالعات پیشرفته تر» در این حوزه توسط دانشجویان و پژوهشگران علاقه مند، می تواند از جمله با اتکا به این اثر انجام پذیرد یا اثر حاضر می تواند نقش مؤثری در این جهت ایفا کند.

آشنایی دانشجویان دوره دکتری با این مبحث از طریق کلاس یادشده، فرصت مغتنم تعامل سازنده با ایشان در این زمینه و همچنین علاقه شخصی به انجام کار علمی-جمعی مرا به این تدبیر رهنمون شد که ترجمه گروهی اثر را به تعدادی از دانشجویان پیشنهاد کنم. این پیشنهاد در دو نوبت و با دو دوره از دانشجویان دکتری برنامه درسی پیگیری شد که با مجموعه حاضر به نتیجه رسید. گرچه به دلیل بروز مسائل غیرمنتظره، به ویژه در ارتباط با یکی از دانشجویان همکار، ناچار به دعوت از دو همکار دیگر شدیم و بدین ترتیب پروژه را به اتمام رساندیم و با قدری تأخیر تقدیم جامعه علمی تعلیم و تربیت کشور می نماییم. اینجانب از مساعی کلیه کسانی که به دعوت حقیر برای مشارکت در ترجمه اثر لیسک گفتند، تشکر و قدردانی می نمایم و از صبر و استقامتی که در پاسخ به مطالبات بنده از خود نشان دادند صمیمانه سپاسگزاری می کنیم. به امید اینکه تلاش مصروف شده بتواند به سهم خود در ارتقای سطح دانش و بینش پژوهندگان و برنامه ریزان مؤثر واقع شود. مسئولیت کاستیها و ناراستیها با نگارنده است که امید است با تذکر خوانندگان فرهیخته در ویراستهای بعدی از کیفیت بیشتری برخوردار شود.

در پایان فرصت را مغتنم شمرده، و به همکاران ارجمند دانشگاهی نیز خاضعانه توصیه می‌کنم که تولید آثار علمی گروهی، خصوصاً با مشارکت دانشجویان دکتری را، به رغم دشواریهای بیشتر نسبت به کار انفرادی، بیش از پیش مورد توجه و اهتمام قرار دهند تا با انتشار هر اثر، گامی در جهت تخفیف یکی از موانع رشد جامعه علمی در کشور، که همان ضعف روح جمعی است، برداشته شود.

توفیق از اوست

دکتر محمود مهرمحمدی

استاد مطالعات برنامه درسی

دانشگاه تربیت مدرس

تهران، شهریور ۱۳۸۸